
بررسی تطبیقی تابعیت اصلی در حقوق ایران و فرانسه

دکتر فرهاد خمایی زاده*

چکیده

یکی از روش‌هایی که برای جلوگیری از بی‌تابعیتی و به‌عنوان تابعیت اصلی مطرح شده اعمال سیستم خون یا تابعیت نسبی می‌باشد که بر اساس آن تابعیت هر شخص بر اساس تابعیت والدینش تعیین می‌گردد. روش دیگر سیستم خاک است که به موجب آن محل تولد تعیین‌کننده تابعیت می‌باشد. مع-ذلک، در رابطه با این موضوع که نسب و یا محل تولد با چه شرایطی مبنای تحمیل تابعیت واقع می‌شود اختلاف نظر وجود دارد و هر کشور بنا به مقتضیات و مصالح خاص خود در این مورد تصمیم‌گیری می‌نماید.

واژگان کلیدی: تابعیت، تابعیت اصلی، سیستم خاک، سیستم خون، بی‌تابعیتی.

۱- مقدمه

تابعیت رابطه‌ای سیاسی و معنوی بین یک شخص و یک دولت است که موجب آثاری حقوقی می‌باشد.^۱ تصمیم در مورد به دست آوردن یا از دست دادن تابعیت با دولت‌ها می‌باشد و اراده اشخاص در این رابطه تعیین‌کننده نیست. به عبارت دیگر هر دولت خود تصمیم می‌گیرد چه کسانی و با چه مشخصاتی تبعه او محسوب می‌شوند.

یکی از اصول مهم مطروحه در رابطه با تابعیت لزوم جلوگیری از بی‌تابعیتی^۲ است. در راستای تحقق این امر باید در وضع مقررات مربوط به تابعیت کشورها ترتیبی اتخاذ گردد تا هر شخص دارای تابعیتی باشد و بر اساس آن حقوق و تعهدات وی مشخص شود. دو سیستم خون و خاک^۳ به عنوان ضابطه اعطای تابعیت توسط دولت‌ها مطرح شده‌اند. در سیستم خون تحمیل تابعیت از راه نسب می‌باشد و تابعیت والدین در زمان تولد شخص ملاک تعیین

۱. البته تعاریف دیگری هم از تابعیت ارائه شده، از جمله این که «تابعیت عبارت است از رابطه سیاسی، حقوقی و معنوی یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا یک شیء با یک دولت معین، به طوری که حقوق و تکالیف وی از همین رابطه ناشی شود». ابراهیمی، دکتر سید نصرالله، «حقوق بین‌الملل خصوصی»، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۸۲، ص ۸۴ در رابطه با تابعیت اشیاء می‌توان به کشتی‌ها اشاره نمود که اصولاً تابع قانون پرچم می‌باشند و بنابراین وقایعی که مثلاً در یک کشتی فرانسوی اتفاق می‌افتد این‌طور تلقی می‌شود که در خاک کشور فرانسه رخ داده‌اند.

۲. L'apartheid

این وضعیت مثلاً زمانی حادث می‌شود که شخصی در کشور مبدأ از وی سلب تابعیت شده و به کشور دیگری پناهنده می‌شود، بدون اینکه تابعیت کشور میزبان به وی داده شده باشد. در سطح بین‌المللی کنوانسیون‌هایی برای جلوگیری از بی‌تابعیتی و حمایت از اشخاص بی‌تابعیت منعقد گردیده است، از جمله کنوانسیون ژنو ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ در رابطه با وضعیت پناهندگان.

۳. *Jus sanguinis - Jus soli*.

تابعیت وی می‌باشد، در حالی که در سیستم خاک محل تولد تعیین‌کننده تابعیت هر شخص قرار داده شده است. کشورهای مختلف معمولاً ضمن اینکه تلفیقی از سیستم خاک و سیستم خون را پذیرفته‌اند، در مقررات تابعیت خود صور متنوعی از سیستم‌های فوق را اتخاذ نموده‌اند.

در مقاله حاضر به‌عنوان نمونه، اختلاف موجود در رابطه با اعمال سیستم خون و سیستم خاک در حقوق فرانسه و ایران مورد بررسی قرار خواهند گرفت. مع‌ذلک، در ابتدا و تحت عنوان کلیات مشخصات کلی هر یک از دو سیستم تشریح خواهند شد.

۲- سیستم خون

۲-۱- کلیات

یکی از راههای پیشنهاد شده برای جلوگیری از بی‌تابعیتی تحمیل تابعیت به شخص بر اساس تابعیت والدین او می‌باشد. تابعیت به‌دست آمده به این طریق تابعیت نسبی نیز نامیده می‌شود.^۴ طرفداران اعمال سیستم خون دلایل زیر را در توجیه آن بیان داشته‌اند:

الف) قائل شدن تابعیت والدین برای فرزند در واقع مبتنی بر این فرض است که خود فرزند نیز به این امر تمایل دارد.

ب) اعمال سیستم خون موجب می‌شود فرزندان اشخاصی که کشور متبوع خود را ترک و در کشور دیگری ساکن می‌شوند، حتی اگر کشور متبوع والدین

۴. سیستم خون با سیستم نژادی متفاوت است، زیرا در سیستم نژادی که قبل از جنگ جهانی دوم مورد توجه عده‌ای از علمای آلمان قرار داشت، نژاد پدر و مادر تعیین‌کننده تابعیت است و نه تابعیت ایشان. برای مطالعه بیشتر رک. مثلاً، نصیری، دکتر محمد، «حقوق بین‌الملل خصوصی»، چاپ پنجم، نشر نیل، ۱۳۷۷، ص ۳۱.

خود را ندیده و یا در آنجا سکونت ننموده باشند، یک پیوند عاطفی با کشور مذکور داشته باشند و در صورت نیاز از جهات مختلف کشور متبوع خود را در مواقع مقتضی یاری دهند. این امر ناشی از این است که علاقه به آب و خاک یک کشور و فرهنگ و تاریخ آن در خون پدر و مادر آمیخته شده و به فرزندان منتقل می‌شود. به همین دلیل کشورهای پرجمعیّت و مهاجرپرست^۵ از حامیان سیستم خون هستند.

ج) با اجرای سیستم خون به تعداد اتباع کشور مهاجرپرست در کشور میزبان افزوده می‌شود و در نتیجه نفوذ سیاسی و اعتبار آن کشور در خارج از مرزهایش افزایش می‌یابد.

مع‌ذلک، اینکه پذیرش سیستم خون در مقررات تابعیت همه کشورها موجب از بین رفتن کامل پدیده بی‌تابعیتی شود، مورد تردید واقع شده است، زیرا در صورتی که طفل متولد شده پدر و مادرش معلوم نباشند و یا در حالتی که والدین معلوم هستند ولی بی‌تابعیت می‌باشند، پدیده بی‌تابعیتی همچنان بروز می‌نماید. به همین دلیل است که در سیستم‌های مختلف حقوقی معمولاً سیستم خاک که محل تولد طفل را مبنای تعیین تابعیت می‌داند،^۶ در کنار سیستم خون به‌عنوان تعیین‌کننده تابعیت طفل در زمان تولد قرار می‌گیرد. تابعیتی که به‌موجب

5. Pays d'emigration.

۶. البته طرفداران این سیستم نیز به‌نوبه خود معتقدند که با توجه به اینکه تمام هر قسمت از کره زمین لزوماً جزو قلمرو حاکمیت کشور معینی می‌باشد، با اعمال سیستم خون در کشورهای مختلف کسی بی‌تابعیت نخواهد ماند. با توجه به وجود قسمت‌هایی خارج از حاکمیت هر دولت از جمله دریاها و آزاد پذیرش ادعای مذکور با تردید مواجه می‌شود. به هر حال، کشورهای مهاجرپذیر از جمله آمریکا و استرالیا از این سیستم حمایت می‌نمایند. برای مطالعه بیشتر رک. ابراهیمی، همان منبع، ص ۹۱.

این دو سیستم در زمان تولد به طفل تحمیل می‌گردد تابعیت اصلی^۷ نامیده می‌شود.

از جمله پرسش‌های مهمی که در رابطه با چگونگی اتخاذ سیستم خون مطرح شده این است که آیا کیفیت ایجاد نسب در اعمال سیستم خون مؤثر است؟ اگر تابعیت پدر و مادر متفاوت باشد تابعیت کدام یک از پدر و مادر باید در نظر گرفته شود؟ تابعیت والدین در زمان تولد طفل باید ملاک عمل قرار گیرد یا در زمان انعقاد نطفه؟

در قسمت‌های آتی پاسخ پرسش‌های فوق در مقررات تابعیتی دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه مورد توجه قرار می‌گیرد.

۲-۲- نحوه پیدایش نسب مبنای تعیین تابعیت

یکی از پرسش‌های مهم که می‌تواند در رابطه با نحوه اعمال سیستم خون مطرح شود این است که آیا تنها فرزند ناشی از ازدواج صحیح تابعیت والدینش را می‌گیرد یا اینکه سیستم خون در مورد فرزندان خارج از رابطه ازدواج و به عبارتی نامشروع نیز قابل اعمال می‌باشد؟

در حقوق ایران بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد: «کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند» ایرانی محسوب می‌شوند. از طرفی حسب ماده ۱۱۶۷ قانون مدنی «طفل متولد از زنا ملحق به زانی نمی‌شود».

7. Nationalité d'origine.

این اصطلاح در برابر تابعیت اکتسابی به‌کار می‌رود، یعنی تابعیتی که مثلاً بعد از واقعه تولد از راه تحصیل تابعیت به‌دست می‌آید.

به نظر عده‌ای از حقوقدانان، نسبی که مبنای تحمیل تابعیت ایرانی بر مبنای سیستم خون در بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران می‌باشد نسب مشروع است و «اطفالی که نامشروع هستند و پدر آنها به جهت عدم امکان انتساب طفل نامشروع به زانی نامعلوم است»^۸ مشمول بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران می‌شوند که اشخاص متولد در ایران از پدر و مادر نامعلوم را ایرانی می‌داند و یا مشمول بند ۱ ماده ۹۷۶ که به موجب آن «کلیه ساکنین ایران به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنها مسلم باشد ایرانی محسوب می‌شوند»^۹ قرار می‌گیرند. در مقابل به نظر آقای دکتر نصیری چنین استدلالی نتیجه خلط تابعیت به عنوان یک موضوع حقوق عمومی با موضوعات حقوق خصوصی می‌باشد؛ «تابعیت را نمی‌توان از حقوق مالی یا موضوعات حقوق خصوصی دانست تا موضوع انتقال یا توارث در بین باشد. تابعیت یک عمل حاکمیت دولت است که بنا به مقتضیات اجتماعی یا سیاسی، با رعایت ضابطه‌های معینی، به هر که می‌خواهد اعطا می‌کند و بنابراین در صورتی که اثبات نسب ممکن بوده، مخالف با نظم عمومی نباشد، سیستم خون به خوبی قابل اعمال است»^{۱۰}.

به نظر می‌رسد گرچه بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در مقام بیان چگونگی تحمیل تابعیت ایرانی به موجب سیستم خون به عنوان یک موضوع حقوق عمومی می‌باشد، معذک، چون در این بند تحمیل تابعیت ایرانی موقوف به احراز رابطه پدری است و این رابطه باید طبق ضوابط حقوق خصوصی صورت پذیرد که نسب نامشروع را موجب رابطه پدر و فرزندی نمی‌داند، تحمیل تابعیت ایرانی بر اساس سیستم خون به اطفال طبیعی پذیرفتنی نیست.

۸. ابراهیمی، همان منبع، صص ۱۱۱-۱۱۲.

۹. نصیری، همان منبع، ص ۶۶.

۱۰. همان منبع.

قابل ذکر است که حسب ماده ۱۱۶۶ قانون مدنی ایران «هرگاه به واسطه وجود مانعی نکاح بین ابوین طفل باطل باشد نسب طفل به هریک از ابوین که جاهل بر وجود مانع بوده مشروع و نسبت به دیگری نامشروع خواهد بود»؛ یعنی ممکن است ازدواجی باطل باشد ولی فرزند ناشی از آن را بتوان قانوناً ملحق به پدر ایرانی و در نتیجه نسب را مشروع دانست که در این صورت تابعیت پدر به چنین فرزندی حسب بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی تحمیل خواهد شد.

در حقوق فرانسه تا قبل از ۱۹۷۳ بر خورد یکسانی با اطفال طبیعی و قانونی صورت نمی گرفت، اما در مقررات جدید تابعیت، فرقی بین نسب طبیعی و نسب قانونی در اعطای تابعیت بر مبنای سیستم خون نیست.^{۱۱} مع ذلک، اگر طفل تبعه خارج قبل از ۱۸ سالگی توسط یک فرانسوی به فرزندی قبول شده باشد در حالت فرزندخواندگی کامل (از دو طرف)^{۱۲} رابطه طفل با والدین اصلی قطع شده و از طریق نسب، فرانسوی محسوب می شود؛ به موجب قانون ۲۲ دسامبر ۱۹۷۶ این طریق از موارد تحمیل تابعیت است و نه تحصیل تابعیت^{۱۳} و لذا نه نیاز به درخواست دارد و نه قابل رد است. مع ذلک، قابل ذکر است فرزند پذیرفته شده توسط والدینی که لااقل یکی از آنها فرانسوی است و محل تولدش در خارج از فرانسه می باشد شناخته شده است.^{۱۴}

11. Loussuarn, Y., Bourel, P., "Droit international privé", 4ed., Dalloz, 1993, pp.573-574.

در این قانون تفاوت های زیادی نسبت به قانون تابعیت ۱۹۴۵ مشاهده می شود.

12. Adoption pleniere.

13. Un cas d'attribution: Acquisition.

Mayer, p., *op.cit.*, p.543.

14. Loussuam. Y., Bourel, p., *op.cit.*, p. 575.

در حالت فرزندخواندگی ساده (پذیرفته شده توسط یک شخص)^{۱۵} اعطای تابعیت به صورت اتوماتیک نیست و تابعیت پدرخوانده یا مادرخوانده فرانسوی خود به خود به فرزندخوانده تحمیل نمی‌شود. در این حالت رابطه طفل با والدین اصلی باقی می‌ماند و تابعیت خارجی آنها برای او حفظ می‌شود، ولی وی می‌تواند درخواست تابعیت فرانسوی را بنماید، مشروط به اینکه در زمان چنین درخواستی ساکن فرانسه باشد. مع‌ذلک، این الزام به داشتن سکونت در فرانسه در حالتی که طفل توسط یک تبعه فرانسوی که ساکن فرانسه نمی‌باشد به فرزندپذیری قبول شده باشد، لغو می‌شود.^{۱۶}

۳-۲- تابعیت کدام یک از والدین مبنای تعیین تابعیت قرار می‌گیرد؟

در حقوق ایران همان‌گونه که ذکر شد، حسب بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، در صورتی که طفلی دارای پدر ایرانی باشد تبعه ایران محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، تابعیت مادر به هیچ‌وجه مبنای تحمیل تابعیت ایرانی به موجب سیستم خون نمی‌باشد،^{۱۷} یعنی اگر زنی ایرانی با مردی خارجی ازدواج نماید و با عدم تحمیل تابعیت خارجی شوهر زوجه تابعیت ایرانی خود را حفظ نماید،^{۱۸}

15. Adoption simple.

16. Article 21; Loi du 8 mars 1803 promulguee le 18 mars 1803, (Loi du 10 aout 1927 art. 13).

۱۷. مع‌ذلک، حسب بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران در بیان یکی از مواردی که به موجب سیستم خاک تابعیت ایرانی تحمیل می‌شود، به تولد مادر در ایران به عنوان عاملی برای تحمیل تابعیت ایرانی توجه و ذکر شده است: «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند ایرانی محسوب می‌شوند». این امر مورد انتقاد است، زیرا در اعطای تابعیت ایرانی، به تابعیت ایرانی مادر که به مراتب مهم‌تر از محل تولد اوست توجه نشده است.

۱۸. به موجب ماده ۹۸۷ قانون مدنی ایران، زن ایرانی که با تبعه خارجی مزاجت می‌نماید به تابعیت ایرانی خود باقی خواهد ماند، مگر اینکه مطابق قانون مملکت زوج تابعیت شوهر به واسطه وقوع عقد ازدواج به زوجه تحمیل گردد.

فرزند ناشی از چنین ازدواجی نمی‌تواند به استناد ایرانی بودن مادرش دارای تابعیت ایرانی گردد.^{۱۹}

در حقوق فرانسه در ابتدا و در کد ناپلئون غلبه تابعیت پدر نسبت به مادر در رابطه با تحمیل سیستم خون پذیرفته شده بود و به موجب آن طفل ناشی از پدر فرانسوی، فرانسوی محسوب می‌شد. در قانون تابعیت ۱۹۴۵ نیز این برتری برای پدر خانواده شناخته شد و محل تولد طفل یا تابعیت مادر در تعیین تابعیت طفل دارای تابعیت فرانسه نقشی نداشت (ماده ۱-۱۷). متعاقب نیاز فرانسه به افزایش جمعیت و جلب و جذب هرچه بیشتر افراد به این کشور، این تفاوت از بین رفت، به نحوی که به موجب قانون ۱۹۷۳ طفل قانونی یا طبیعی که لااقل یکی از والدینش فرانسوی باشند تبعه فرانسه محسوب می‌شود؛ در حالی که به-موجب قانون تابعیت ۱۹۴۵ اگر فقط پدر تابعیت فرانسه داشت فرزند وی نیز به‌طور قطعی فرانسوی محسوب می‌شد، بدون داشتن حق رد تابعیت.

حسب قانون ۱۹۷۳ اگر والدین هر دو یا یکی از ایشان فرانسوی باشند طفل به‌طور قطعی تابعیت فرانسوی پیدا می‌کند. مع‌ذک، در حالتی که تنها یکی

۱۹. البته این امر موجب بی‌شناسنامه ماندن هزاران طفل ناشی از ازدواج‌های ثبت نشده زنان ایرانی با اتباع خارجی، عمدتاً افغانی یا عراقی، شده است. به همین علت، اخیراً طی طرحی به مجلس شورای اسلامی پیشنهاد شد اصلاحات ذیل در ماده ۹۶۴ و بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی معمول گردد:

ماده ۹۶۴ قانون مدنی: «روابط بین ابویین و اولاد تابع قانون دولت متبوع پدر است مگر اینکه تابعیت ایرانی از طریق مادر به وی اعطا شده باشد یا نسبت طفل فقط به مادر مسلم باشد، که در این صورت روابط طفل و مادر او تابع قانون دولت متبوع مادر خواهد بود.»

بند ۲ ماده ۹۷۶: «کسانی که پدر یا مادر آنها ایرانی است اعم از اینکه در ایران یا در خارجه متولد شده باشند» ایرانی محسوب می‌شوند.

این طرح مورد تصویب مجلس شورای اسلامی (۱۳۸۵/۲/۲۸) قرار نگرفت.

از والدین فرانسوی باشند و طفل در خارج از فرانسه متولد شده باشد، با توجه به شکننده بودن رابطه چنین طفلی با کشور فرانسه حق رد تابعیت از ۶ ماه قبل از رسیدن به سن قانونی تا ۱۲ ماه پس از آن پیش‌بینی شده است (ماده ۱۹). این اختیار در صورتی که پدر یا مادر خارجی یا آیت‌ریا قبل از رسیدن طفل به سن قانونی تابعیت فرانسوی را تحصیل نموده باشد، ساقط می‌شود. این حق همچنین در حالتی که ذینفع در خدمت ارتش باشد ساقط می‌شود.^{۲۰}

دستورالعمل مورخ ۱۲ ماه می ۲۰۰۰^{۲۱} نیز در همین رابطه تولد از والدین فرانسوی را از موارد اعطای تابعیت فرانسوی بر شمرده است.^{۲۲}

۲-۴- زمان انعقاد نطفه باید در نظر گرفته شود یا زمان تولد؟

ممکن است در زمان انعقاد نطفه والدین تابعیت کشور (الف) را داشته باشند ولی در زمان تولد طفل تغییر تابعیت داده و به تابعیت کشور (ب) در آیند. در این صورت، تابعیت والدین در چه زمانی ملاک عمل برای اعمال سیستم خون خواهد بود؟

در حقوق ایران از بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی عمدتاً چنین استنباط شده که ممکن است انعقاد نطفه تاریخ مشخصی نداشته باشد و یا مشکوک‌الحدوث باشد و تابعیت بر امری عدمی یا مشکوک‌الحدوث تعلق نمی‌یابد. «از طرفی برای نطفه یا جنین روابط سه‌گانه معنوی، حقوقی و سیاسی با دولت متبوع متصور نیست تا دولت تابعیت را بدان واگذار کند».^{۲۳} لذا تابعیت پدر در زمان

۲۰. ماده ۱-۱۸ قانون مدنی فرانسه.

21. Cirulaire du 12 mai 2000 DPM 2000/254.

22. Sos- net. eu/ interne/etrangers/ natidx. htm.

۲۳. ابراهیمی، همان منبع، ص ۱۱۱.

تولد طفل باید ملاک عمل قرار گیرد و نه زمان انعقاد نطفه. تابعیت پدر در فاصله زمانی بین انعقاد نطفه و تولد طفل و یا بعد از تاریخ تولد طفل تأثیری در تابعیت طفل که به طور مشخص بر اساس تابعیت پدر در زمان تولد تعیین می شود، ندارد.

البته لازم به ذکر است که عده ای معتقدند باید از بین تابعیت های پدر در زمان انعقاد نطفه و تولد طفل تابعیتی را در نظر گرفت که بیشتر منافع طفل را تأمین می نماید، در حالی که گروهی دیگر با سیاسی دانستن تابعیت معتقدند مصلحت اشخاص در امر تعیین تابعیت جایی ندارد و بر مبنای مصالح دولت ها باید در این رابطه تصمیم گیری شود.^{۲۴}

در حقوق فرانسه دکترین^{۲۵} و رویه قضایی^{۲۶} زمان تولد طفل را ملاک عمل می دانند، هر چند این امر با ملاحظات وراثتی تباین دارد؛ این تباین چنین توجیه شده است که تاریخ انعقاد نطفه به طور دقیق قابل تشخیص نیست. در صورتی که در زمان تولد طفل پدر و مادر هر دو فرانسوی باشند تابعیت فرانسوی والدین به طور قطعی به فرزندان منتقل می شود.

در حالتی که طفل پس از فوت یکی از والدین، چه پدر و چه مادر، متولد شده باشد تابعیت متوفی در زمان فوت وی در نظر گرفته می شود. این نظر حتی قبل از قانون ۱۹۷۳ (البته تنها در موردی که پدر قبل از تولد فرزند فوت نموده باشد) مورد قبول دکترین واقع شده بود.^{۲۷} مع ذلک، در حالتی که یکی از والدین قبل از تولد طفل فوت نموده باشد و پدر یا مادر زنده قبل از تولد طفل تابعیت

۲۴. نصیری، همان منبع، ص ۶۵.

25. Batiffol et Lagarde, Traite, n. 95, p. 102.

26. Cour de cassation. civ., 25 fevrier 1956, Revue critique de droit international privé, 1957, 273, 5 mars 1957, Bulletin des arrest de la Cour de cassation (chambers civiles), n. 115, Revue critique de droit international privé, 1958, 761.

27. Loussuarn, Y., *op. cit.*, p.572.

خارجی گرفته باشد تحمیل تابعیت فرانسه به طفل باید همراه با حق رد تابعیت باشد.^{۲۸} این راه حل کماکان در حقوق فرانسه اعمال می شود.

آنچه مسلم است در حال حاضر تشخیص دقیق و علمی تاریخ انعقاد نطفه ممکن نیست و لذا درست به نظر نمی رسد تابعیت که منشأ آثار مهمی در زندگی فرد است بر مبنای امری مبهم تعیین شود.

۳- سیستم خاک

۳-۱- کلیات

در سیستم خاک فرض بر این است که هر شخص لزوماً در محل معینی که تحت حاکمیت کشور خاصی می باشد، متولد می شود؛ لذا در این سیستم تابعیت محل تولد ملاک تعیین تابعیت هر شخص قرار می گیرد. به عقیده طرفداران این سیستم به این ترتیب دیگر پدیده بی تابعیتی وجود نخواهد داشت. دلایلی را که له سیستم خاک مطرح شده می توان به شرح زیر خلاصه نمود:

الف) فردی که در قلمرو دولت معینی متولد شده و در آنجا سکونت دارد تحت سلطه و حاکمیت همان دولت است و هیچ دولت دیگری نفوذ واقعی و مؤثر بر این ندارد تا بتواند تابعیتش را بر او تحمیل نماید.

ب) تمام کسانی که در قلمرو یک دولت ساکن هستند علی الاصول باید از رژیم حقوقی واحدی پیروی نمایند و نباید بعضی از ساکنین یک کشور حقوق یا امتیازات خاصی ناشی از تابعیت اعطا شده توسط یک کشور دیگر نسبت به دیگر ساکنین داشته باشند. بنابراین تمام متولدین در یک کشور باید تابعیت محل تولد را داشته و از حقوق یکسانی برخوردار باشند.

28. *Ibid.*, note 6.

ج) شخصی که در کشور معینی متولد شده و در آنجا سکونت می‌یابد خواه ناخواه تحت تأثیر محیط زندگی خود واقع می‌شود، تا حدی که نقش عوامل ارثی کم‌رنگ شده و یا حتی از بین می‌رود، به نحوی که می‌توان گفت «کسی که در سرزمینی تولد یافته و در آنجا رشد و نمو کرده است تابعیت او به اقتضای یک اختلاط معنوی بایستی محل تولدش باشد».^{۲۹}

د) اتخاذ این سیستم به نفع کشورهای مهاجرپذیر است. این‌گونه کشورها به لحاظ اینکه مایلند تعداد هرچه بیشتری تبعه داشته باشند معمولاً مقررات تابعیتی خود را به ترتیبی وضع می‌نمایند که تابعیت محل تولد با شرایطی ساده تحمیل شود.

علی‌رغم مزایای فوق‌الذکر باید اذعان نمود که نمی‌توان به‌طور قطع مطمئن بود حتماً محل تولد یک شخص تحت حاکمیت دولت خاصی می‌باشد تا بر مبنای آن بتوان تابعیت همان دولت را بر وی تحمیل نمود. البته اگر طفلی در یک کشتی و در محدوده دریای آزاد متولد شود می‌توان با این استدلال که هر کشتی دارای پرچم یک کشور خاص می‌باشد و لذا به عنوان خاک دولت صاحب پرچم تلقی می‌شود، تابعیت کشور متبوع کشتی را بر طفل متولد در آن کشتی تحمیل نمود. همین قاعده در رابطه با هواپیماها نیز پذیرفته شده است. با توجه به شناخت کلی از سیستم خاک ذیلاً به مواضع متخذه در حقوق کشورهای ایران و فرانسه در رابطه با این سیستم نظری می‌افکنیم:

۲-۳- طفل از پدر و مادر نامعلوم یا بدون تابعیت

در ایران به موجب بند ۳ ماده ۹۷۶ قانون مدنی «کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها غیر معلوم باشد» ایرانی محسوب می‌شوند. بنابراین طفل

۲۹. نصیری، همان منبع، ص ۳۶.

نامشروعی که در بیمارستانی در ایران متولد شده، چون مادرش معلوم است مشمول این بند واقع نمی‌شود.^{۳۰} همچنین اطفال سرراهی که معلوم نیست محل تولدشان در ایران باشد نیز نمی‌توانند به موجب بند مذکور تبعه ایران محسوب شوند، مگر اینکه فرض شود چنین اطفالی متولد ایران هستند. البته این امر مانع از آن نیست که این اشخاص به دلیل دیگری تابعیت ایران را داشته باشند.^{۳۱} در رابطه با طفل متولد در ایران از پدر و مادر بی‌تابعیت، قانون ایران اعمال سیستم خاک را نپذیرفته است.

در فرانسه نیز، مانند قانون ایران به موجب بند ۱ ماده ۲۱ کد تابعیت ۱۹۴۵ «طفل متولد در فرانسه از پدر و مادر نامعلوم تبعه فرانسه محسوب می‌شود». در بند ۲ ماده مذکور محدودیتی در رابطه با این تابعیت پیش‌بینی و مقرر شده است: «مع‌ذلک، اگر قبل از رسیدن به سن قانونی نسب چنین طفلی به یک تبعه خارجی اثبات شود و حسب قانون کشور متبوع این شخص خارجی طفل مذکور تبعه آن کشور محسوب شود، تابعیت فرانسوی طفل مذکور کأن لم یکن تلقی می‌شود». به عبارت دیگر، در این حالت باید قائل شد به اینکه طفل مذکور اصلاً تابعیت فرانسوی نداشته است که مسلماً با این عطف به ماسبق شدن، اعتبار کلیه اموری که با توجه به تابعیت فرانسوی طفل واقع شده زیر سؤال خواهد رفت.

۳۰. به عقیده بعضی «اگرچه قانون در این خصوص ساکت است، به نظر می‌رسد اطفالی که نامشروع هستند و پدر آنها به جهت عدم امکان انتساب طفل نامشروع به زانی نامعلوم است نیز مشمول این بند از قانون می‌باشند». ابراهیمی، همان منبع، ص ۱۲.

۳۱. مثلاً به استناد بند ۱ ماده ۹۷۶ قانون مدنی کلیه سکنه ایران به استثنای اشخاصی که تابعیت خارجی آنها معلوم و مسلم است، ایرانی محسوب می‌شوند.

در رابطه با اعمال این قاعده فرقی بین طبیعی یا قانونی بودن نسب نیست.^{۳۲} همچنین فرقی در این نیست که تابعیت خارجی شخصی که نسبتش به طفل ثابت شده، تابعیت اصلی بوده است یا اکتسابی.

در رابطه با شخص متولد شده در فرانسه از والدین آپاترید، قانون ۹ ژانویه ۱۹۷۳ ماده ۱-۲۱ را به قانون تابعیت اضافه و مقرر نموده است: «طفل متولد در فرانسه از والدین آپاترید و همچنین طفل متولد در فرانسه از والدین خارجی که تابعیت هیچ‌یک از ایشان حسب قوانین کشورهای خارجی مربوطه به طفل داده نمی‌شود، تبعه فرانسه محسوب می‌شود».

به نظر لوسوارن اگر منظور از این قانون ملحق شدن چنین طفلی به جامعه فرانسه باشد مشکل بتوان پذیرفت که والدین آپاترید یا بدون تابعیت و یا حتی والدین خارجی که تابعیت آنها قابل انتقال به فرزندشان نیست در فرانسه ساکن شوند و بخواهند به همراه فرزندشان در فرانسه بمانند، حتی اگر فرزند مذکور در فرانسه متولد شده باشد.^{۳۳}

۳-۳- تأثیر محل تولد والدین

در حقوق ایران بندهای ۴ و ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی، تابعیت والدین را در اعمال سیستم خاک مؤثر دانسته‌اند. به موجب بند ۴ «کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده بوجود آمده‌اند» ایرانی

۳۲. مع‌ذک، به نظر بعضی این استثنا تنها در رابطه با نسب طبیعی می‌باشد و نه نسب قانونی.

Loussuarn, Y., *op.cit.*, p.577.

33. *Op cit.*, p.578.

لوسوارن همچنین معتقد است که استثنا و محدودیت مورد اشاره در رابطه با تابعیت فرانسوی اعطا شده به طفل متولد در فرانسه از پدر و مادر نامعلوم در این مورد نیز باید اعمال شود، هرچند در قانون ۱۹۷۳ به این مورد اشاره نشده است. همان منبع.

محسوب می‌شوند. بنابراین علاوه بر تولد طفل در ایران لازم است یکی از والدینی که هر دو خارجی هستند در ایران متولد شده باشند. بند (الف) ماده ۹۷۷ قانون مدنی نیز در رابطه با این بند اضافه نموده است: «هرگاه اشخاص مذکور در بند ۴ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام بخواهند تابعیت پدر خود را قبول نمایند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر بر اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند». در واقع در اینجا حق رد تابعیت ایرانی برای طفل ایرانی شده حسب بند ۴ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در نظر گرفته شده است.

حسب بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران مورد دیگری از سیستم خاک پیش‌بینی و مقرر شده است: «کسانی که در ایران از پدری که تبعه خارجه است بوجود آمده و بلافاصله پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام یک سال دیگر در ایران اقامت نموده باشند [تبعه ایران محسوب می‌شوند] والا قبول شدن آنها به تابعیت ایران بر طبق مقرراتی خواهد بود که مطابق قانون برای تحصیل تابعیت ایران مقرر است». در این ماده به تابعیت مادر اشاره‌ای نشده است و تابعیت ایرانی مادر نیز هیچ نقشی در اعطای تابعیت ایرانی در این بند ندارد. به‌علاوه، شرط تثبیت تابعیت ایرانی شخصی که به این ترتیب ایرانی شده این است که پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام یک سال دیگر در ایران اقامت نماید.

بند (ب) ماده ۹۷۷ قانون مدنی در این رابطه اضافه نموده است: «هرگاه اشخاص مذکور در بند ۵ ماده ۹۷۶ پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام بخواهند به تابعیت پدر خود باقی بمانند باید ظرف یک سال درخواست کتبی به ضمیمه تصدیق دولت متبوع پدرشان دایر به اینکه آنها را تبعه خود خواهد شناخت به وزارت امور خارجه تسلیم نمایند».

نهایتاً در رابطه با سیستم خاک ماده ۹۷۸ قانون مدنی ایران مقرر می‌نماید: «نسبت به اطفالی که در ایران از اتباع دولی متولد شده‌اند که در مملکت متبوع آنها اطفال متولد از اتباع ایرانی را به موجب مقررات تبعه خود محسوب داشته و رجوع آنها را به تابعیت ایران منوط به اجازه می‌کنند معامله متقابل خواهد شد». قابل ذکر است که حسب تبصره ماده ۹۷۶ قانون مدنی «اطفال متولد از نمایندگان سیاسی و قنصلی خارجه مشمول فقره ۴ و ۵ نخواهند بود».

در حقوق فعلی فرانسه در رابطه با تأثیر محل تولد والدین در تحمیل تابعیت فرانسوی بر طفل متولد در فرانسه ماده ۲۳ کد تابعیت مقرر می‌دارد: «در صورتی که لااقل یکی از والدینش فرانسوی باشد تبعه فرانسه محسوب می‌شود». در این رابطه دو حالت متفاوت پیش‌بینی شده است:

اگر طفلی از والدین فرانسوی در خاک فرانسه متولد شده باشد تابعیت فرانسوی به‌طور قطعی و بدون داشتن حق رد این تابعیت به طفل تحمیل می‌شود. این راه‌حل چنین توجیه شده که این اشتراک محل تولد والدین و فرزند در فرانسه می‌تواند نشانگر اقامت طولانی خانواده طی چندین نسل در فرانسه باشد. ولی در ماده ۲۴ قانون تابعیت پیش‌بینی شده که اگر طفلی از والدینی که یکی از ایشان متولد فرانسه است، در فرانسه متولد شده باشد تابعیت فرانسوی اصلی باز هم به طفل تحمیل می‌شود، مع‌ذک، در این حالت حق رد تابعیت فرانسوی برای طفل مذکور ظرف مدت ۶ ماه پس از رسیدن به سن قانونی پیش‌بینی شده است. البته در صورتی که پدر و مادری غیرفرانسوی قبل از رسیدن طفل به سن قانونی تابعیت فرانسه را تحصیل نمایند این حق ساقط می‌شود.^{۳۴}

34. Lossuam, Y., *op.cit.*, p.579.

در حقوق فرانسه نیز اطفال متولد از نمایندگان و مأمورین دیپلماتیک کشورهای خارجی در فرانسه از قواعد پیش گفته مستثنا شده‌اند. این استثنا قبل از قانون تابعیت ۱۹۴۵ و سپس در ۱۹۲۷، ۱۹۳۸ و قانون ۱۹۷۳ پذیرفته شده است. علت این استثنا رعایت نزاکت ذکر شده و اینکه ماهیت مأموریت والدین طوری است که تولد طفل در فرانسه کاملاً اتفاقی است و فرض سکونت قطعی و جذب ایشان در جامعه فرانسه را منتفی می‌سازد.^{۳۵}

۴- نتیجه

مقررات اعطای تابعیت اصلی در دو کشور ایران و فرانسه متفاوتند. هرچند در هر دو کشور تلفیقی از سیستم خون و سیستم خاک پذیرفته شده، مع‌ذک، هریک با شرایط خاص خود تحمیل تابعیت بر اساس دو سیستم مذکور را پذیرفته‌اند.

در رابطه با سیستم خون هر دو کشور معتقدند نسب هر شخص می‌تواند عامل تعیین‌کننده تابعیت او باشد، ولی هریک شرایطی را در این رابطه قائل می‌شوند. در حقوق ایران تنها تابعیت پدر در زمان تولد طفل آن هم در صورتی که نسب مشروع و ناشی از ازدواج قانونی باشد برای تحمیل تابعیت از طریق سیستم خون مدنظر قرار می‌گیرد، در حالی که در حقوق فرانسه تابعیت فرانسوی هریک از والدین در زمان تولد طفل طبیعی یا قانونی در نظر گرفته می‌شود.

این راه‌حل در رابطه با فرزندخواندگی کامل (قانون ۲۲ دسامبر ۱۹۷۶ که کد تابعیت را اصلاح نموده است) از این پس اجرا می‌شود.

35. Mayer, P., *op. cit.*, p.541.

در مورد سیستم خاک، در مقررات تابعیت هر دو کشور پیش‌بینی شده است طفل متولد در خاک هریک اگر والدینش نامعلوم باشند تبعه کشور محل تولد محسوب می‌شود. مع‌ذلک، در فرانسه اضافه شده که اگر قبل از رسیدن به سن قانونی نسب طفل متولد در این کشور به یک تبعه خارجی اثبات شود و تابعیت خارجی مذکور به طفل تحمیل شود، تابعیت فرانسوی وی کان لم یکن تلقی می‌شود.

همچنین در حقوق دو کشور با استناد به سیستم خاک تأثیر محل تابعیت والدین در تحمیل تابعیت به فرزندشان پذیرفته شده است، مع‌ذلک، در مورد جزئیات این تأثیرگذاری و شرایط و نحوه اعطای حق رد به شخصی که با این ترتیب تبعه شده است میان این دو کشور اختلاف دیدگاه وجود دارد.

مسئله این قبیل اختلاف‌نظرها همانند سایر تفاوت‌ها در اتخاذ قواعد حقوقی در زمینه‌های مختلف، ناشی از وجود دیدگاه‌های متفاوت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... در کشورهای گوناگون می‌باشد؛ دیدگاه‌هایی که در داخل یک کشور نیز ممکن است در طول زمان با رعایت اصول و موازین داخلی تعدیل شوند.

با توجه به اینکه تابعیت رابطه بین شخص با یک دولت است که موجب حقوق و تکالیفی می‌باشد، عدم اتخاذ رویه واحد در اعطای تابعیت می‌تواند مشکل آفرین باشد. لذا اصلح است تلاش در زمینه ایجاد وحدت حقوقی، به امر تابعیت و نحوه اعمال سیستم خون نیز تسری یابد و کشورهای مختلف سعی نمایند با حفظ ارزش‌ها و باورهای خود تا حد امکان مواضع خود را به یکدیگر نزدیک نمایند.